

قلم اندازهای سفر ژاپون

ژاپون شناسی و ایران شناسی

- ۴ -

چهارشنبه ۲۰ بهمن

دنبالهٔ بازدید از کتابخانهٔ مرکزی به امروز موكول شده بود. این بار دوساعت مدت گرفت. آنچه ازین دیدار نوشتنی ترست و درین یادداشتهای عامه خوان می توان به آن پرداخت عبارت است از اینکه تجسس کنندگان و فهرست کننده ها جز زبان ژاپنی با زبان دیگری آشنایی ندارند. موضوع کتابهایی را که به زبانهای خارجی است به توسط فرهنگهای مختلف که دارند می یابند و بر اساس جداول دیوئی بدانها شماره می دهند. چه همتی دارند ا و در مقابل چه گران دقتی لازم است که کمتر اشتباه روی بدهد.

در کتابخانه های ژاپن خیلی مرسوم نیست که فهرست موضوعی (یعنی با استفاده از سرعنوان موضوعی Subject Heading) ترتیب بدهند. در این باب از فهرست ترتیبی جدولی (شلف لیست) استفاده می کنند و این کتابخانه هم استثناء از آن قاعده نیست.

از قسمتهای بسیار دیدنی کتابخانه یکی اطاق خاصی بود که به کتب و انتشارات و نسخ خطی مخصوص به قوم «اینو» و جزیرهٔ هکایدو اختصاص داده اند. درین قسمت سه هزار عکس که از یکصد سال پیش تا کنون از شهرهای هکایدو برداشته شده جمع آوری شده است و نقشه ها نیز. گفتند که خود هزاروپانصد نقشه دارند. در قبال سؤال که چه مقدار کتاب و مقاله دربارهٔ اینوها نوشته شده است مدیر کتابخانه گفت کمی بیش از سیصد مجموعه و د آنها را نشان داد. همچنین مجموعهٔ نسخه های خطی که به ژاپنی دربارهٔ اینوها که از چند قرن قبل نوشته شده است دیدم بسیار دیدنی است. (یکی از آنها در سال ۱۸۰۰ توسط موراکامی شیمانوجو). قوم اینو خط نداشته اند. طبعاً ادبیات آنها به صورت مکتوب محفوظ نمانده است. زبان شان با ژاپنی فرق دارد و در قرن نوزدهم فرهنگهای بزرگ هم به روسی و هم به انگلیسی توسط مستشرقین تهیه شده است. این قوم از قرون پیش سینه به سینه اشعار و آوازه ها و حماسه خود را انتقال داده اند. اینوها تعدادشان بسیار کم شده و به علت اختلاط با ژاپنیها و گسایش طبیعی به شهرنشینی روبره انحطاط می روند بعضی از آثار آنها در کتب فرنگی و ژاپنی ضبط شده است.

قسمت دیدنی دیگر اطاق خاص تاریخ دانشگاه هکایدو بود. چنانکه پیش ازین نوشتم حدود یکصد سال پیش مدرسه کشاورزی توسط یک امریکایی به نام کلارک درین شهر که دهی بوده است تأسیس می شود و به تدریج توسعه می یابد تا امروز. کلارک میان دانشگاهیان

و طبقه منور حکاییدو حکم جردن را میان تحصیل کردگان مدارس آمریکایی ایران دارد .
موقعی که با مدیر خدا حافظی می کردم پرسید چند درصد از کارمندان کتابخانه شما زن
است! البته جوابی گفتم . گفت کار کردن با زن خیلی مشکل است! روزی نیست که یکی دو تا مریض
نشوند شوهر دارها دوسه سال یکبار زایمان دارند... دل پر دردی داشت . خیلی حرف زد . اگر چه
قسمتی ازین نارضایی درونی جناب مدیر حکایت از وضع اجتماعی زنان در جامعه دانشگاهی
ژاپن می کند که زیاد به آنها پروبال نمی دهند و خالی از حقیقت هم نبود . معلوم شد به هر کجا روی
آسمان همین رنگ است .

بازدید ازین کتابخانه مرا به یادداشتهای سردستی مربوط به دیدارهای دو هفته قبل
از کتابخانه های ملی (دایت = مجلسین ژاپن) و کتابخانه عمومی دانشگاه توکیو و کتابخانه
شرقی «تویو بونکو» برگرداند که فقط برای اطلاع شخص خودم و به کار بستن بعضی از مشاهدات
مطلوب این سفر در کار کتابخانه دانشگاه تهران بود . حالا که به آنها مروری کنم ثبت بعضی
از اطلاعات مکتبسه را خالی از فایده عمومی نمی دانم .

کتابخانه اصلی دانشگاه توکیو و کتابخانه عمومی ، نام دارد (نه مرکزی) . در دانشگاه
توکیو کلاس میلیون و ششصد هزار جلد کتاب است . هفتصد هزار تای آن در کتابخانه
عمومی است . تعداد کارمندان آن یکصد و ده نفرست . نزدیک به پنجاه نفر از آنها کتابداران
تحصیل کرده اند (در درجات مختلف) . بودجه خرید کتاب کتابخانه مرکزی نزدیک ششصد
هزار تومان است و نصف آن به خریدن نشریات ادواری کتابهای ژاپنی صرف می شود . مدیر
کتابخانه مانند تمام دانشگاههای ژاپن منتخب شورای دانشگاه است و از میان اعضای
آموزشی دانشگاه ، طبقه بندی کتاب شباهت گونه ای به روش کتابخانه کنگره امریکا دارد .
تعداد سندلیهای این کتابخانه یک هزار و یکصدست . ابدأ کتاب به دانشجویان دوره لیسانس
قرض نمی دهند . استادان پانزده کتاب برای مدت یک ماه می توانند به امانت بگیرند . نکته
ای که در باب این کتابخانه از لحاظ تحقیقات ایرانی ، نباید نا گفته بماند این است که
مجموع کتابهای مربوط به ایران درین کتابخانه نگاه داری می شود . اراکی (Araki)
از اولین ایرانشناسان ژاپن بود و از کارهای پر ارزش او در معرفی ایران تنظیم این کتابهاست .
اینک بپردازیم به معرفی اجمالی کتابخانه ملی ژاپن . بنای این کتابخانه در سال ۱۹۶۸
به اتمام رسیده اکنون تمام قسمتهای آن مورد استفاده است . سطح زیر بنای آن (تمام
قسمتها) حدود هفتاد هزار متر مربع است .

درینجا با نقل چند رقم عظمت این سازمان بزرگ علمی و فرهنگی آن کشور را بهتر
و روشن تر می توان نمود . آن ارقام چنین است و مربوط به سال ۱۹۶۸ میلادی یعنی خیلی
کهنه نشده است :

تعداد کارمندان ۸۳۱ نفر (در سال جاری به ۸۴۳ رسیده است) ، بودجه سالانه حدود
هفت میلیون دلار (که حدود چهار و پنجاه هزار دلار صرف خرید کتاب شده) ، تعداد کتب
دو میلیون جلد ، (حالا به دو میلیون و نیم رسیده که فقط نیم میلیون خارجی است و بقیه به
زبان ژاپنی) ، تعداد نقشه ها ۹۵۵۲۰ عدد ، صفحات موسیقی ۸۱۳۲۶ ، میکرو فیلم ۲۹۳۳۶ حلقه ،

نشریات دوره‌ای ۲۱۷۱۴ عنوان .

ارقام جالب توجه عبارت است از مقدار کتابی که اعضای مجلسین کشور ژاپن ازیر کتابخانه که برای آنهاست قرض گرفته و خوانده‌اند. چون باور نمی‌کنید و در نوشتن رقم احتمالاً ادرستی خواهید داد ناچار به حروف می‌نویسم و آن پنجاه هزار و چهارصد چهارده جلدست جزاین به ۸۲۲۲ سؤال مراجعاتی آنها جوابگویی شده است.

این کتابخانه در همان سال ۳۲۳۹ کتاب به مراجع دولتی کشور کتاب امانت داده ۲۱۲۲ سؤال آنها را جواب گفته است .

اما رابطه کتابخانه و مردم عبارت بوده است از اینکه ۲۵۸۲۰۶ خواننده داشته ۵۶۴۷۲۶ جلد کتاب در تالارهای متعدد آن خوانده شده است . تعداد جوابگویی ؛ سؤالهای مراجعه کنندگان ۷۱۴۱۴ مرتبه بوده و ۲۵۷۹ کتاب هم به کتابخانه‌های دیگر کشور قرض داده شده است .

درین کتابخانه دستگاه «کمپیوتر» وجود دارد. از آن در محاسبات و پرداخت حقوق کارمندان و الفبایی کردن برگه‌ها و کتابشناسی‌ها و فهرستها استفاده می‌کنند . به محیطی که کمپیوتر در آن قرار دارد با کفش نمی‌توان وارد شد . دم در باید ژاپنوسی وار کفش ر کند و بدان محل رفت. کتابخانه دارای کلینیک طبی و دندانسازی خاص کارمندان کتابخانه است تعداد سندلیهای کتابخانه برای مراجعه کنندگان قریب هزارست و محل قرائت برای اعضاء مجلسین جدا. اعضای مجلسین دارای اطاق بزرگ خاص می‌باشند و هر یک نیز اطاقی کوچک برای تحقیق و مطالعه می‌توانند در اختیار داشته باشند .

درین کتابخانه فهرست مشترک پانزده کتابخانه مهم ژاپن که اکثرأ در توکیوست نگاه داری می‌شود. از کارهای اساسی این کتابخانه یکی نگاه بانی کلیه آثاری است که در مملکت ژاپن نشر شود و طبق آماری که گرفتیم در سال ۱۹۷۰ تعداد ۲۶۸۱۸ کتاب مختلف در ژاپن به چاپ رسیده که ازین عده ۱۸۷۵۴ عدد آن طبع کتاب جدید بوده است . عده‌ای کثیر از این کتب حاصل کار مردمی است که در محله‌ای به نام «کندها» در گوشه‌ای از توکیو به کسب و کار مربوط به کتاب اشتغال دارند و حقیقه حکم سوق‌الوراقین بنفاد قدیم دارد .

از کارهای مهم کتابخانه ملی (دیت) تحقیقاتی است که در زمینه ایجاد طبقه بندی خاص جهت کتاب در ژاپن عملی شده است و تاکنون یک طبقه بندی ده گانه ژاپونی (در تعدیل و تطبیق روش دیوئی) بوجود آمده و جزین یک روش خاص کتابخانه ملی (دیت) که تقلید گونه‌ای از کتابخانه کنگره امریکاست با تفاوتهای عظیم و دیدی ملی و وطنی، و طبیعی است که ژاپونی مجبور بوده است که طبقه بندی مفید که با روحیه و تمدن و زبان و خط او مطابقت داشته باشد تنظیم کند و این توفیق مهم را یافته و اتکای به قدرت علمی خود را اثبات کرده است.

یکی از قسمتهای خاص کتابخانه تالار مراجع و منابع کتابداری است، یعنی اکثر کتابهای مهم و انتشارات ادواری را که در علم کتابداری نوشته شده درین تالار جمع کرده‌اند و بیشتر مورد مراجعه محصلان کتابداری دانشگاهها و مدارس است که شعبه تدریس کتابداری دارند. از تالارهای خاص دیگر تالار مطالعات آسیایی و افریقایی است . طبقاً کتابهای

مربوط به ایران درین بخش است . ولی بسیار کم و شعبة ضعیفی است ، علتش درین است که کتابهای شرقشناسی در «تویو بونکو» ، (یعنی کتابخانه شرقی) نگاه داری می شود که کتابخانه‌ای مستقل بوده و بعدها به کتابخانه ملی وابسته شده است . محلی خاص دارد و من پس ازین شرح آن را خواهم نوشت .

سه‌شنبه ۲۶ بهمن

چند روزی خود را از نوشتن یادداشت‌های درهم‌برهم بر حذر کردم . گرفتار بودم . بیشتر ایام در اطاق در بسته به تهیه مطالبی گذشت که جهت مذاکره در کلاس درس لازم بود . یکشنبه را با افراد خانواده‌ای که با آنها زندگی می‌کنم به مزرعه اقوامشان رفتم . بیابان سراسر از برف پوشیده بود . روزگار کسانی خوش باد که پس از آب شدن این برفها و رویدن گلها و گیاهان بدین صحاری سرسبز گذر می‌کنند . من آنچه دیدم قندیل‌های یخ بود که از شاخه‌ها درختان سرو آویخته بود گوئی درختان را شمع آجین کرده‌اند . الحق که بسیار زیبا بود . در راه در خیال می‌باختم افراد خانواده‌ای که درین مزرعه زندگی می‌کنند از مردم مرفه‌اند . تصور می‌کنم که چون آلودگی شهر و غم زندگی شهری را ندارند آسوده‌اند ؛ صاحب مزرعه بیست سال پیش مرده است . زنش که دو فرزند کوچک ازوداشت از برادر شوهرش درخواست می‌کند که بدین مزرعه بیاید و باهم زندگی کنند . زن برادر وزن مرد متوفی (یعنی دو جاری) می‌گفتند چنان به هم خو گرفته‌ایم که گویی دو خواهریم . یکی از دختران زن صاحب مزرعه چند سالی است که شوهر کرده و رفته است . دختر دیگر هم در ساپورو منزل کرده است و در باغ نباتات دانشگاه خدمت می‌کند . به قول مادرش برای اینکه مبلغی مختصر بیشتر عایدش می‌شود . شاید می‌خواهد آزادتر باشد . خانه‌ای شسته و رفته با وسایلی ترو تمیز بود . غذا متنوع ولی همه ژاپنی . سر و وضع این روستائیان با شهرنشینان ژاپن هیچ تفاوت نداشت .

دیروز که دوشنبه بود از منزل تاجی‌بانا به باشگاه دانشگاه آمدم و اطاقی گرفتم . ولی پناه بر خدا از بی‌رحمی آسمان . تو گویی که سیل می‌بارید . برف می‌آمد تحنه تحنه و به محض اینکه به زمین می‌رسید آب می‌شد . کوچه‌ها رودهایی کوچک شده بود و اتوموبیلها که می‌گذشت موج آب به هوا می‌رفت . درست همانند آنکه انوموبیل از نهر بزرگی بگذرد . راه رفتن ممکن نبود مگر با کالشهای چکمه‌ای . تازه ملتفت شدم چرا مردم درینجا گالش چکمه‌ای می‌پوشند . این چند روز با خود می‌گفتم برای برف پوتین چرمی محکم بهتر است چرا مردم درینجا اغلب چکمه‌گالشی دارند !

می‌خواستم به اطاق کاری که در عمارت دانشکده ادبیات دارم بروم . در همین وقت پرفسور هندو رسید . گفت که ممکن نیست که به آنجا بروی . یکی دویز باید تحمل کنی . زیرا اعتصاب و اشغال پیش آمده بود .

اکنون که این سطور را می‌نویسم در اطاق دیگری است که در کتابخانه مرکزی به من داده‌اند . کتابها و اوراق را از اطاق قبلی به اینجا منتقل کرده‌ام و به دفتری که در آن

یادداشت می‌کنم دسترسی یافته‌ام. قضیه اعتصاب و اشغال داستان دیگریست و به من ربطی ندارد . . .

لای جلد دوم تاریخ جهانگشا که این روزها برای مذاکره درسی به‌دوباره خوانی آن پرداخته‌ام ورقه اطلاعاتی مربوط به انجمن ژاپنی توسعه دانش -

Japan Society for promotion of science

را که به جای « جوق الف » گذاشته‌ام دیدم. این انجمن است که به معرفی پرسود هند را دعوت کرده است.

این انجمن به منظور کمک به پیشرفت و تقویت رشته‌های مختلف دانش بشری در سال ۱۹۳۲ تشکیل شد و ابتدا بنیادی غیر دولتی بود و آموزش از محل عطیه امپراطور ژاپن و مختصر کمک دولت می‌گذشت. در سال ۱۹۶۷ اصول اداره و تشکیلات انجمن تغییر کرد و با گذراندن قانون اداره امور آن زیر نظر وزیر آموزش قرار گرفت و مرادشان آن بود تا مقاصدی که سازمانهای مختلف برای پیشرفت دانش دارند با هماهنگی عمومی و ملی عملی شود. فعالیت‌های عمده این انجمن را بدین ترتیب باید خلاصه کرد: کمک مسافرتی به استادان، دانشمندان، محققان، تحصیلات دانشگاهی برای استفاده از امکانات و وسایل تحقیقاتی که در خارج از ژاپن وجود دارد، دعوت از خارجیانی که بتوانند به پیشرفت تحقیقات دانشمندان ژاپنی معاضدت کنند. تعداد این عده در سال ۱۹۷۱ چهل نفر بوده است.

خدمت دیگر این انجمن که از لحاظ پیشرفت تحقیقات ژاپن بسیار با اهمیت و مؤثر است « برنامه همکاری بین‌المللی علمی » نام دارد. در این راه مخصوصاً با آمریکایی‌ها همکاری استواری را آغاز کرده‌اند و مؤسساتی چند با همکاری دانشمندان دو کشور در زمینه‌های مربوط به علوم، تعلیم و تربیت، فرهنگ تشکیل داده‌اند. همچنین عده‌ای برنامه‌های تحقیقاتی را با همدستی دانشمندان متخصص برزیلی و ایتالیایی در مباحث مربوط به امواج فضائی و زیست‌شناسی دریائی آغاز کرده‌اند.

از فعالیت‌های مهم دیگر این انجمن تأسیس دو مؤسسه مطالعاتی ژاپن یکی در طهران و دیگری نیروبی (Nairobi) است. این مؤسسات به منظور آن تشکیل شده است که وسایل کار محققان ژاپنی را فراهم کنند. مؤسسه‌ای که در طهران تأسیس کرده‌اند چندسالی پیش از عمرش نمی‌گذرد.

ژاپنی‌ها فکری اساسی کرده‌اند که مدیریت این مؤسسه را هر سال به یکی از ایران شناسان خود واگذار می‌کنند. بدین وسیله به تناوب هر یک مدتی به ایران می‌آیند تا ارتباط خود را از دست ندهند و با جوامع علمی ایران تجدید رابطه کنند. مخصوصاً چقدر برای آنها که در ژاپن مجال صحبت کردن فارسی نیست مفیدست مددی به زبان فارسی خود می‌رسانند و فراموش شده‌ها را بازمی‌یابند. کسانی که تاکنون این خدمت را برعهده داشته‌اند عبارتند از: Ohno که ایران شناسی است جامعه شناس. علاقه مند به روستاهای ایران و تحقیق در مسائل مربوط به مردم ساده کشور ما. چندی با مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی همد و هم سخن بود. کتابی به ژاپنی نوشته است درباره روستاهای ایران و جامعه دهاتیان.

البته به زبان ژاپنی کسه هیچ يك از ایرانیان محقق از آن سر در نمی آورد . جای افسوس است . من فقط از پشت جلد این کتاب می فهمم که مطلبش در باب خاك وطن من است . پشت جلد عکسی است از دو تا سه بچه روستایی که سر و وضشان ایرانی بودن آنها را می نماید . او نو امسال هم به ایران خواهد آمد به مدت سه ماه و برای تحقیق در روستای شمس آباد (اگر اسم را غلط به یاد نسرده باشم) که پس از اصلاحات ارضی تغییرات و تصرفات قابل تحقیقی در آنجا عملی شده است .

دومین فردی که اداره امور انجمن را به عهده داشت کنانی (Katani) از اعضای هیأت عامی دانشگاه کیوتو بود . او متخصص تاریخ ایران است و مناسفانه هنوز با او آشنا نشده ام . بار سوم دو نفر از محققان ژاپنی مشترکاً تصدی امور انجمن را عهده دار بوده اند : یکی یامادا Yamada متخصص در رشته ادبیات فارسی و دیگری ایشی Ishi محقق در معماری ایرانی اسلامی .

چهارمین نفر پرفسور M. Honda . هوندا M. Honda بوده است که سخنی چند در احوال او پیش از این نوشته ام .

پنجمین نفر ساتو T. Sato نام دارد که در زمینه تاریخ اجتماعی اسلام و ایران به تحقیق می پردازد .

ششمین نفر استاد کورویاناگی T. Kuroyanagi بود که پیش ازین یادی از او درین یادداشت های قلم انداز مسطور گردید .

هفتمین شخصی که مدت قریب به يك سال بسا شوقی تمام به ایران آمد و هم اکنون مؤسسه را می گرداند ایموتو E. Imoto است . ایموتو ایرانشناسی است که زبان فارسی را در دانشگاه تهران تکمیل کرد . تحقیق در ادبیات فارسی زمینه اصلی کار اوست و مقالات متعددی در زمینه های مختلف ادبی به زبان ژاپنی نوشته است . گاهی هم گریز به دوره پیش از اسلامی ایران می زند . اخیراً مقاله ای خواندنی در باب اهمیت سگ چهارچشم در تمدن ایران قبل از اسلام ، نوشته که خلاصه ای از آن به زبان انگلیسی نشر شده است .

ایموتو واسط فروردین ۱۳۵۱ مؤسسه را به جوان فاضلی بنام سوئو Y. Sueo می سپارد که اکنون در کیوتو است . من هنوز به دیدارش نرسیده ام . امیدوارم پس از دیدنش در آن شهر او را بشناسانم . آنقدر که شنیده ام متخصص جغرافیای انسانی است . گواه این مطلب مقاله ای است از او به زبان انگلیسی و بنام مطالعه تاریخی و جغرافیایی در باب کیفیت زندگی در خاورمیانه که در مجله انجمن تحقیقات آسیای غربی دانشگاه کیوتو چاپ شده است .

از يك نکته غافل نمانم که پرفسور هندو پیشرفت امور انجمن و مخصوصاً هیأت های علمی ژاپن را علی الخصوص مرهون زحمات بسیاری می داند که حسین فروتن همکار ایرانی آنان کشیده است و افسوس می خورد که وی سخت مریض شده است و بیم آن است که دیگر نتوانند از نیروی جوان و شوق همکاری او استفاده کنند . **نا تمام**